

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام و رحمت خدا بر شما استاد گرامی، طاعات و عبادات قبول، برداشتی از تفسیر سوره مرسلات، آیا درست برداشت کردم؟ سلام حضرت مرسلات ای آشنای پنهان و ای آشکار غریب چه خرامان می آیی، از که فرمان داری؟ این بار فرستاده کدام اسم از رب العالمین هستی؟ قرار است کدام منیت مرا از جا برکنی؟ قرار است این بار چه نشر و حشری با کثرات داشته باشم تا جانم وسعتی یابد به وسعت یوم الفصل، نشانم دادی وحدت را در کثرت دیدن همانقدر برایم لازم است که کثرت را در وحدت دیدن، اصلا دیدن برایم لازم است، وحدت را، کثرت را و اتحاد بین این دو، و فصل و تمایزش را. کدام ذکر را برایم به سوغات آورده ای؟ از کدامین گناه و تقصیر توبه کنم و به امید طلوع چه فردایی باشم؟ یا حضرت مرسلات، تو مرا از روزمرگی رهاندی و با لشگری از اسماء الهی بسویم آمدی تا لشگر جهل و غفلت مرا غافلگیر کنی و مرا به «خود» آری. آری، به خود، به خویشتن، به جان، به آنچه تا کنون هستم و شدم و آنچه باید باشم و بشوم. تو قیامتم را بپا کردی و مرا با بندگان خدا برانگیختی، راستی می شود، با دیگران حشر و نشر داشت ولی فقط رو به تو داشت. چه در صلح، چه در جنگ، چه در جمع، چه در فرق. می شود فقط مات او بود، ولی نه در خانقاه، بلکه در وسط میدان زندگی و روزمرگی های آن. می شود مرده ای باشی در دست غسل تا تو را بچرخاند و بچرخاند، شستشویت دهد، پاکت کند و آماده ات کند برای حشر، می شود زبانت، نگاهت، کلامت، سکوتت، قدمت، قعودت، خواستت، رفتت، برگشتت، مهرت و قهرت. همه و همه از الله، برای الله و بسوی الله باشد. می شود سرود و ورد زبانت، آن «صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین» باشد، و اگر هنوز با این کلام توحیدی فاصله ها دارم، نه از ان روست که نیست و نمی شود، بلکه از آن روست که گاه گاهی چشمک ستارگان قوایم و قوه کوههای اعمالم، عقل قدسی ام را محبوب کرده و هنوز نه، هنوز حجاب آسمانی ام شکافته نشده، هنوز چشمانم به ستارگان زیبا و کوههای بلند خیره مانده، هنوز درگیر حجاب هستم، ظلمانی و نورانی اش، هنوز باید زمزمه کنم: «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک... حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور...». ۸ رمضان ۲۱ فروردین ۱۴۰۱

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همین طور است بخصوص وقتی خود را در طوفان «عاصفات» در دست اراده ای بیابیم که: «می برد آن جا که خاطرخواه او است». مگر جز این است که در وصف آن طوفان فرموده اند: «پژ گاهی در مصاف تند باد / خود ندانم در کجا خواهم فتاد». آیا اگر خود را به این

طوفان بسپاریم، با جهان «النّاشرات نشرا» که منجر به «الفارقات فرقا» خواهد شد؛ روبه‌رو نمی‌شویم؟
موفق باشید